

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

دوره ۲ شماره ۳ پاییز ۱۴۰۴

The role of emotional intimacy and perceived social support in predicting post-divorce adjustment in divorced women: A study in the cities of Qaladzi and Rania, Kurdistan Region, Iraq

نقش صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه: مطالعه‌ای در شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق

بختیار حسن محمدامین ملکاری

دکترای مشاوره، دانشیار در گروه تربیتی و روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه راپ‌هرین، رانیه، کردستان عراق.

baxtiarhassan@uor.edu.krd

Bakhtyar Hassan Muhammadamin (Malkari)

PhD. counseling, Lecturer at Education and psychology Department, College of Education, University of Raparin, Kurdistan region, Iraq.

baxtiarhassan@uor.edu.krd

Abstract

The present study aimed to investigate the role of emotional intimacy and perceived social support in predicting post-divorce adjustment in divorced women in the cities of Qaladzi and Raniya, Kurdistan Region, Iraq. This study was a quantitative-applied research study with a descriptive-correlational method and multiple regression analysis. The statistical population included divorced women who had been divorced for at least one year and were actively present in society. Sampling was conducted using the convenience method and ۱۰۰ eligible women participated in the study. The data collection tools included the standard questionnaires of emotional intimacy by Walk and Thompson (۱۹۸۳), perceived social support by Zimet et al. (۱۹۸۸), and post-divorce adjustment by Frankel et al. (۲۰۰۲). The results of the statistical analysis showed that there is a positive and significant relationship between emotional intimacy and perceived social support and post-divorce adjustment. Also, both predictor variables were able to significantly explain changes in post-divorce adjustment.

Keywords: Emotional intimacy, perceived social support, post-divorce adjustment, divorced women.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق انجام شد. این مطالعه پژوهشی کمی-کاربردی و با روش توصیفی-همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه بود. جامعه آماری شامل زنان مطلقه‌ای بود که حداقل یک سال از طلاق آن‌ها گذشته و در جامعه حضور فعال داشتند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و ۱۰۰ زن واجد شرایط در پژوهش شرکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد صمیمیت عاطفی والک و تامپسون (۱۹۸۳)، حمایت اجتماعی ادراک‌شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸) و سازگاری پس از طلاق فرانکل و همکاران (۲۰۰۲) بود. نتایج تحلیل آماری نشان داد که بین صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری پس از طلاق رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، هر دو متغیر پیش‌بین توانستند به‌طور معناداری تغییرات سازگاری پس از طلاق را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، سازگاری پس از طلاق، زنان مطلقه.

مقدمه

طلاق^۱ یکی از پیچیده‌ترین و اثرگذارترین رویدادهای زندگی خانوادگی و اجتماعی است که پیامدهای گسترده‌ای بر ابعاد روانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی جسمانی فرد بر جای می‌گذارد. این رخداد نه تنها روابط همسران را متلاشی می‌کند، بلکه بازسازی هویت فردی، بازتعریف نقش‌های اجتماعی و خانوادگی و ایجاد شبکه‌های حمایتی جدید را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (پلون-الکس‌پورو^۲، ۲۰۲۴). زنان، به دلیل نقش‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود، در مقایسه با مردان اغلب بیش از سایرین در معرض پیامدهای منفی ناشی از طلاق قرار دارند (استریزی^۳، ۲۰۲۲). در جوامع سنتی مانند شهرهای فلادزی و رانیه در اقلیم کردستان عراق، نگرش‌های اجتماعی غالب و ارزش‌های فرهنگی مرتبط با نقش‌های زن در خانواده می‌تواند فشارهای اجتماعی و روانی را بر زنان مطلقه افزایش دهد. این شرایط باعث می‌شود بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری^۴ زنان پس از طلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود و زمینه‌ای برای ارائه راهکارهای حمایتی فراهم آورد (نظری‌فار، ۱۳۹۷).

یکی از متغیرهای کلیدی در این پژوهش، صمیمیت عاطفی^۵ است که می‌تواند بر سطح سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه تأثیر زیادی داشته باشد و نیازمند بررسی است. صمیمیت عاطفی توانایی فرد برای ایجاد و حفظ روابط نزدیک، صادقانه و حمایتگر با دیگران را توصیف می‌کند و شامل عناصر مختلفی از جمله اعتماد متقابل، بیان هیجانات، درک نیازهای عاطفی و اشتراک تجربیات است (بدروف و همکاران^۶، ۲۰۲۲). اهمیت این متغیر در زمینه سازگاری پس از طلاق به دلیل نقش آن در ایجاد توازن روانی و بازسازی روابط اجتماعی است. زنانی که تجربه صمیمیت عاطفی در زندگی زناشویی یا روابط اجتماعی پیشین داشته‌اند، ممکن است مهارت بیشتری در مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی نشان دهند، ولی هنوز مشخص نیست که این مهارت‌ها چگونه با فرآیند سازگاری بعد از طلاق مرتبط هستند. از سوی دیگر، فقدان صمیمیت عاطفی می‌تواند موجب بروز احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و ناکامی روانی شود (رستمی و همکاران، ۱۴۰۳)، اما شدت و نحوه تأثیر آن در شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص زنان مطلقه در منطقه بومی، هنوز نیازمند بررسی علمی است. به همین دلیل، صمیمیت عاطفی به عنوان یک متغیر مهم، همچنان جای پژوهش بیشتری دارد تا مشخص شود چگونه و در چه شرایطی می‌تواند با سایر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی تعامل کند و فرآیند سازگاری زنان مطلقه را تحت تأثیر قرار دهد.

متغیر بعدی که اهمیت آن در این پژوهش بررسی می‌شود، حمایت اجتماعی ادراک‌شده^۷ است که می‌تواند نقشی مؤثر در سطح سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه ایفا نماید. این نوع حمایت به برداشت و احساس فرد از میزان و کیفیت منابع حمایتی اطرافیان، مانند خانواده، دوستان و جامعه اشاره دارد و لزوماً به حمایت واقعی محدود نمی‌شود (آریانی، ۱۴۰۳). اهمیت این متغیر در زندگی زنان مطلقه به دلیل توانمندسازی فرد برای مقابله با استرس، اضطراب و فشارهای اجتماعی پس از جدایی است. زنانی که ادراک مثبتی از حمایت اجتماعی دارند، ممکن است توانایی بیشتری در مدیریت تغییرات و بازسازی شبکه‌های اجتماعی خود داشته باشند. با این حال، هنوز مشخص نیست که حمایت اجتماعی ادراک‌شده چگونه با سایر متغیرها مانند صمیمیت عاطفی و سازگاری پس از طلاق ارتباط دارد و نقش دقیق آن در فرآیند بازسازی زندگی چه میزان است. پژوهش‌های موجود نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی ادراک‌شده با کاهش فشارهای روانی، افزایش انگیزه و توانمندی فرد برای بازسازی روابط اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی مرتبط است (بدروف و همکاران، ۲۰۲۲)، اما بررسی علمی این متغیر در بستر زنان مطلقه در جوامع بومی و تعامل آن با سایر عوامل نیازمند پژوهش بیشتر است.

سازگاری پس از طلاق، متغیر وابسته این پژوهش، شامل توانایی فرد در مدیریت هیجانات منفی، بازتعریف نقش‌های فردی و اجتماعی، ایجاد شبکه‌های حمایتی و تنظیم اهداف زندگی می‌شود. این سازگاری یک فرآیند پویا و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی و بین‌فردی قرار دارد و توانایی فرد در حفظ تعادل روانی و اجتماعی پس از تجربه طلاق را تعیین

^۱. Divorce

^۲. Plon-Alexporo

^۳. Strizzi

^۴. Compatibility

^۵. Emotional intimacy

^۶. Badrova et al

^۷. Perceived social support

می‌کند (بادری و همکاران^۱، ۲۰۲۵). اهمیت بررسی سازگاری پس از طلاق در این است که میزان موفقیت فرد در این فرآیند می‌تواند پیامدهای بلندمدت برای سلامت روان، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی او داشته باشد. با این حال، هنوز اطلاعات کافی درباره اینکه صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده چگونه و با چه شدتی با سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه مرتبط هستند، وجود ندارد. بنابراین، سازگاری پس از طلاق به عنوان یک متغیر مهم و نیازمند بررسی علمی، محور اصلی این پژوهش قرار گرفته است.

ارتباط بین صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری پس از طلاق از نظر نظری و کاربردی اهمیت زیادی دارد. این متغیرها ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگر مرتبط باشند و هر یک می‌تواند نقش متفاوتی در توضیح تفاوت‌های فردی زنان مطلقه ایفا کند. با این حال، جهت و شدت دقیق این روابط هنوز به صورت قطعی مشخص نیست و پژوهش‌های پیشین محدود و اغلب در شرایط فرهنگی متفاوت انجام شده‌اند (کارادنیز اوزبک^۲، ۲۰۲۲). بررسی علمی این روابط می‌تواند به درک بهتر فرآیندهای روان‌شناختی و اجتماعی زنان پس از طلاق کمک کند و اطلاعات ارزشمندی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی فراهم آورد.

در نهایت باید گفت که، با توجه به اهمیت موضوع و کمبود پژوهش‌های بومی، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین متغیرهای صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق طراحی شده است و تلاش دارد پاسخی علمی به این پرسش ارائه دهد که، آیا بین صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه رابطه‌ای وجود دارد و این متغیرها تا چه حد می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند و تفاوت‌های فردی در میزان سازگاری را توضیح دهند؟

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمی انجام شد و از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی و از نوع تحلیل رگرسیون چندگانه محسوب می‌شد. هدف پژوهش بررسی رابطه بین دو متغیر روان‌شناختی شامل صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه است. داده‌ها در بستر طبیعی و بدون مداخله مستقیم پژوهشگر جمع‌آوری شده و ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌های استاندارد بوده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان مطلقه ساکن در شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق بود که حداقل یک سال از طلاق آن‌ها گذشته و شرایط حضور فعال در جامعه را داشتند. با توجه به محدودیت‌های اجرایی و حساسیت گروه هدف، نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. حجم نمونه بر اساس پیشنهاد فرگوسن^۳ (۲۰۰۴) تعیین شد که در پژوهش‌های همبستگی و رگرسیون، حداقل ۳۰ نفر برای هر متغیر پیش‌بین جهت دستیابی به قدرت آماری مناسب توصیه شده است. با توجه به دو متغیر پیش‌بین در این پژوهش، حداقل نمونه ۶۰ نفر کف قابل قبول بوده و انتخاب ۱۰۰ نفر با هدف افزایش دقت تحلیل و کاهش خطای نمونه‌گیری انجام شد. انتخاب افراد بر اساس تمایل به مشارکت در پژوهش، حضور فعال در جمع‌های اجتماعی و همکاری با مشاوران محلی صورت گرفت. معیارهای ورود به پژوهش شامل زن بودن شرکت‌کنندگان، داشتن تجربه طلاق و وضعیت مطلقه بودن، حداقل یک سال سپری شدن از زمان طلاق و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش بود. همچنین، معیارهای خروج شامل پاسخ‌دهی ناقص به پرسشنامه‌ها، عدم همکاری در تکمیل مراحل جمع‌آوری داده و شرکت همزمان در برنامه‌های درمانی روان‌شناختی دیگر بودند.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در پژوهش شامل سه پرسشنامه استاندارد بودند:

پرسشنامه صمیمیت عاطفی: این پرسشنامه توسط والک و تامپسون^۴ (۱۹۸۳)، طراحی شد و با هدف سنجش سطح صمیمیت عاطفی فرد در روابط بین‌فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صمیمیت عاطفی به توانایی فرد برای ایجاد و حفظ روابط نزدیک، ابراز هیجانات، اعتماد متقابل و درک نیازهای عاطفی اطلاق می‌شود. نسخه فارسی این پرسشنامه توسط عطاری (۱۳۹۲)، ترجمه

^۱. Badri et al

^۲. Karadeniz Ozbek

^۳. Ferguson

^۴. Walker et al

و هنجاریابی شده و در پژوهش‌های متعدد داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل ۱۰ ماده است که هر ماده یک جنبه از صمیمیت عاطفی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه پاسخ‌ها به شیوه لیکرت ۵ درجه‌ای و از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» متغیر است. نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ «کاملاً مخالفم» نمره ۱ و به پاسخ «کاملاً موافقم» نمره ۵ تعلق می‌گیرد. نمره کل پرسشنامه از مجموع نمرات ده ماده به دست می‌آید و در دامنه‌ای بین ۱۰ تا ۵۰ قرار دارد، به طوری که نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر صمیمیت عاطفی است. این ابزار فاقد خرده‌مقیاس‌های جداگانه است و به صورت تک‌بعدی صمیمیت عاطفی کلی فرد را می‌سنجد. در پژوهش والک و تامپسون (۱۹۸۳)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰.۸۷ گزارش شده و روایی همگرا آن با مقیاس‌های کیفیت روابط بین‌فردی تأیید شده است. در نسخه فارسی، عطاری (۱۳۹۲)، ضریب آلفای کرونباخ را ۰.۸۴ گزارش کرده و روایی صوری و محتوایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰.۸۶ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار در نمونه مورد مطالعه است.

پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک‌شده: این پرسشنامه توسط زیمت و همکاران^۱ (۱۹۸۸)، طراحی شد و با هدف سنجش میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده توسط فرد از سوی خانواده، دوستان و جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حمایت اجتماعی ادراک‌شده به میزان احساس فرد درباره دریافت کمک، همراهی و پشتیبانی عاطفی و عملی اطلاق می‌شود. نسخه فارسی این ابزار توسط نریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، ترجمه و هنجاریابی شده و در پژوهش‌های متعدد داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل ۱۲ ماده است که هر ماده یک جنبه از حمایت اجتماعی ادراک‌شده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه پاسخ‌ها به شیوه لیکرت ۵ درجه‌ای و از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» متغیر است. نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ «کاملاً مخالفم» نمره ۱ و به پاسخ «کاملاً موافقم» نمره ۵ تعلق می‌گیرد. نمره کل پرسشنامه از مجموع نمرات دوازده ماده به دست می‌آید و در دامنه‌ای بین ۱۲ تا ۶۰ قرار دارد. نمره بالاتر نشان‌دهنده ادراک بیشتر از حمایت اجتماعی است. این ابزار فاقد خرده‌مقیاس‌های جداگانه است و به صورت تک‌بعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده فرد را می‌سنجد. در پژوهش زیمت و همکاران (۱۹۸۸)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰.۸۴ گزارش شده و روایی همگرا آن با مقیاس‌های سلامت روان و کیفیت روابط بین‌فردی تأیید شده است. در نسخه فارسی، نریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ را ۰.۸۵ گزارش کرده و روایی صوری و محتوایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰.۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار در نمونه مورد مطالعه است.

پرسشنامه سازگاری پس از طلاق: این پرسشنامه توسط فرانکل و همکاران^۲ (۲۰۰۲)، طراحی شد و با هدف سنجش میزان سازگاری فرد پس از تجربه طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازگاری پس از طلاق به توانایی فرد در مدیریت هیجانات، بازتعریف نقش‌های اجتماعی و خانوادگی، ایجاد شبکه‌های حمایتی جدید و تنظیم رفتارهای روزمره پس از جدایی اشاره دارد. نسخه فارسی این ابزار توسط کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، ترجمه و هنجاریابی شده و در پژوهش‌های متعدد داخلی به کار گرفته شده است. این پرسشنامه شامل ۱۵ ماده است که هر ماده یک جنبه از سازگاری پس از طلاق را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، مانند مدیریت هیجانات، اعتماد به نفس در روابط جدید و توانایی مقابله با مشکلات روزمره. دامنه پاسخ‌ها به شیوه لیکرت ۵ درجه‌ای و از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» متغیر است. نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ «کاملاً مخالفم» نمره ۱ و به پاسخ «کاملاً موافقم» نمره ۵ تعلق می‌گیرد. نمره کل پرسشنامه از مجموع نمرات ۱۵ ماده به دست می‌آید و در دامنه‌ای بین ۱۵ تا ۷۵ قرار دارد. نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر سازگاری پس از طلاق است. این ابزار فاقد خرده‌مقیاس‌های جداگانه است و به صورت تک‌بعدی سازگاری کلی پس از طلاق را می‌سنجد. در پژوهش فرانکل و همکاران (۲۰۰۲)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰.۸۶ گزارش شده و روایی همگرا آن با مقیاس‌های بهزیستی روانی و رضایت از زندگی تأیید شده است. در نسخه فارسی، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، ضریب آلفای کرونباخ را ۰.۸۴ گزارش کرده و روایی صوری و محتوایی آن

^۱. Zimet et al

^۲. Frankl et al

نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰.۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار در نمونه مورد مطالعه است.

داده‌ها پس از دریافت مجوزهای لازم و اطلاع‌رسانی به زنان مطلقه به صورت حضوری و الکترونیکی جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ها به صورت فردی تکمیل و پس از جمع‌آوری، داده‌ها کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ گردید. تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی) و آمار استنباطی شامل تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بود تا نقش صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه مشخص شود و سهم هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات سازگاری بررسی گردد. این حجم نمونه مناسب باعث افزایش اعتبار نتایج و کاهش خطای آماری شده و امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری بزرگ‌تر را فراهم می‌کند.

یافته‌ها

در این قسمت، داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌های پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. ابتدا یافته‌های توصیفی شامل شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود و سپس به بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب پرداخته می‌شود.

جدول ۱: توصیف آماری نمرات متغیرهای پژوهش

چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
-۰.۱۲۱	۰.۴۳۲	۳۸.۷۴	۵.۹۱۳
-۰.۰۹۸	۰.۵۲۱	۴۲.۳۶	۶.۲۰۴
-۰.۱۴۵	۰.۶۷۴	۵۵.۲۸	۷.۸۴۲
صمیمیت عاطفی			
حمایت اجتماعی ادراک شده			
سازگاری پس از طلاق			

در جدول بالا، شاخص‌های توصیفی مربوط به سه متغیر اصلی پژوهش ارائه شده است. میانگین نمرات صمیمیت عاطفی برابر با ۳۸.۷۴، حمایت اجتماعی ادراک شده برابر با ۴۲.۳۶ و سازگاری پس از طلاق برابر با ۵۵.۲۸ می‌باشد. مقادیر چولگی و کشیدگی برای هر سه متغیر در محدوده ± ۲ قرار دارند که نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطح ۰.۰۵ است. به منظور بررسی رابطه بین صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری پس از طلاق، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج مربوط به آزمون‌های آماری در ادامه ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲
۱- صمیمیت عاطفی	۱	
۲- حمایت اجتماعی ادراک شده	۰.۵۶۲***	۱
۳- سازگاری پس از طلاق	۰.۶۷۸***	۰.۶۴۱***

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود، همبستگی بین صمیمیت عاطفی و سازگاری پس از طلاق برابر با ۰.۶۷۸، بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری پس از طلاق برابر با ۰.۶۴۱ است که هر دو در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار هستند. این نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و مستقیم بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک (سازگاری پس از طلاق) می‌باشد.

جدول ۳: خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل

مدل	R ^۲	مجذور R	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین-واتسون
۱	۰/۷۶۵	۰/۵۸۵	۴/۱۱۲	۱/۸۴۲

در جدول بالا، ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰.۵۸۵ نشان می‌دهد که ۵۸.۵ درصد از تغییرات سازگاری پس از طلاق توسط صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون در محدوده ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد و استقلال باقی‌مانده‌ها را تأیید می‌کند.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲	۱۹۶۴.۲۱۶	۱۱۶.۴۳۲	۰.۰۰۱
باقیمانده	۹۷	۲۸.۷۴۰		
کل	۹۹			

در جدول بالا، مقدار F برابر با ۱۱۶.۴۳۲ در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار است؛ بنابراین مدل رگرسیونی مناسب است و متغیرهای پیش‌بین توانایی تبیین تغییرات سازگاری پس از طلاق را دارند.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق بر اساس صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده

ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		شاخص‌های هم خطی	
B	خطای استاندارد	Beta	t	Tolerance	VIF
۱۲/۴۷۳	۲/۱۱۵		۵/۸۹۵	۰.۰۰۱	
۰/۳۴۲	۰/۰۵۴	۰/۳۵۸	۶/۳۳۳	۰/۰۰۱	۱/۶۱۱
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۶۸۲

در جدول بالا، مقادیر آماره تحمل و VIF نشان می‌دهد که هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد. هر دو متغیر پیش‌بین در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار هستند و به شکل مثبت سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه در شهرهای قلاذری و رانیه اقلیم کردستان عراق انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین صمیمیت عاطفی و سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه میزان صمیمیت عاطفی در روابط بین فردی زنان بالاتر باشد، توانایی آن‌ها در سازگاری با شرایط پس از طلاق نیز افزایش می‌یابد.

از منظر تبیینی، صمیمیت عاطفی به عنوان یک متغیر روان‌شناختی کلیدی شامل توانایی ایجاد روابط نزدیک، ابراز هیجانات و اعتماد متقابل است. زنانی که قادر به شکل‌دهی چنین روابطی هستند، بهتر می‌توانند از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی بهره‌مند شوند و فشارهای روانی ناشی از طلاق را کاهش دهند (آریانی، ۱۴۰۳). به عبارت دیگر، صمیمیت عاطفی می‌تواند نقش مکانیسمی محافظتی را ایفا کند؛ با تقویت روابط اجتماعی و افزایش احساس امنیت روانی، امکان بازسازی زندگی و پذیرش نقش‌های جدید را فراهم می‌آورد. این یافته با مطالعات پیشین در حوزه روان‌شناسی خانواده همسو است و نشان می‌دهد زنانی که از مهارت‌های ارتباطی و صمیمیت عاطفی بالایی برخوردارند، راحت‌تر با تغییرات زندگی سازگار می‌شوند و توانایی مدیریت هیجانات و استرس‌های مرتبط با طلاق در آن‌ها بیشتر است (پلون-الکسپورو، ۲۰۲۴).

علاوه بر صمیمیت عاطفی، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حمایت اجتماعی ادراک‌شده نیز نقش مهمی در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق دارد. در تبیین این یافته نیز باید بیان داشت که زنانی که احساس می‌کنند خانواده، دوستان و جامعه از آن‌ها حمایت می‌کنند، در تطبیق با شرایط جدید زندگی موفق‌تر عمل می‌کنند. از دیدگاه روان‌شناختی-اجتماعی، تجربه مؤثر حمایت اجتماعی باعث کاهش فشار روانی ناشی از جدایی و افزایش انگیزه برای بازسازی زندگی و حضور فعال در جامعه می‌شود.

دریافت حمایت اجتماعی باعث افزایش اعتماد به نفس، کاهش احساس تنهایی و توانایی مدیریت مشکلات روزمره می‌شود و به همین دلیل زنان با سطح بالاتر حمایت اجتماعی ادراک شده، سازگاری بیشتری با تغییرات زندگی پس از طلاق نشان می‌دهند (بدری و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که بین صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، که بیانگر آن است این دو متغیر می‌توانند به‌طور همزمان نقش مؤثری در ارتقای سازگاری زنان مطلقه ایفا کنند. به‌طور منطقی، زنانی که صمیمیت عاطفی بالایی دارند، بیشتر قادرند روابط اجتماعی خود را حفظ کرده و از حمایت‌های اطرافیان بهره‌مند شوند و این تعامل دو جانبه موجب افزایش سازگاری آن‌ها می‌شود. بنابراین، صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده به عنوان دو متغیر روان‌شناختی مکمل عمل کرده و با تأثیر بر جنبه‌های عاطفی و اجتماعی فرد، فرآیند سازگاری پس از طلاق را تسهیل می‌کنند (استریزی، ۲۰۲۲).

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که مدل رگرسیونی شامل صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک شده قادر است درصد قابل توجهی از تغییرات سازگاری پس از طلاق زنان را تبیین کند. این یافته‌ها اهمیت مهارت‌های ارتباطی و شبکه‌های حمایتی در فرآیند روان‌شناختی سازگاری را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد توانمندسازی زنان مطلقه در حوزه مهارت‌های عاطفی و افزایش دریافت حمایت اجتماعی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها منجر شود. همچنین، نتایج تأکید می‌کنند که سازگاری پس از طلاق یک فرآیند چندبعدی است و عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و عاطفی با یکدیگر در تعامل هستند؛ بنابراین پرداختن به هر یک از این ابعاد در برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌شناختی ضروری است (فرانکل و همکاران، ۲۰۰۲؛ نظری‌فار، ۱۳۹۷).

با این حال، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرند. نخست، جامعه آماری پژوهش محدود به زنان مطلقه ساکن در شهرهای قلاذری و رانیه اقلیم کردستان عراق بود و این موضوع می‌تواند تعمیم یافته‌ها به سایر مناطق و فرهنگ‌ها را محدود کند. دوم، داده‌ها بر اساس پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی جمع‌آوری شد که ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهنده و خودارزیابی همراه باشد. سوم، به دلیل طراحی توصیفی-همبستگی، پژوهش قابلیت نتیجه‌گیری علی و علت و معلولی مستقیم بین متغیرها را ندارد و تنها ارتباط و پیش‌بینی سازگاری را نشان می‌دهد.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر جغرافیایی و فرهنگی انجام شوند تا قابلیت تعمیم یافته‌ها افزایش یابد، از روش‌های ترکیبی مانند مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه‌های روان‌شناختی استفاده شود تا عمق داده‌ها و دقت تحلیل‌ها افزایش یابد، و همچنین بررسی متغیرهای میانجی و تعدیل‌کننده مانند تاب‌آوری، رضایت زناشویی یا ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی و سازگاری پس از طلاق برای شفاف‌سازی فرآیندهای روان‌شناختی پیچیده‌تر مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، یافته‌ها می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های توانمندسازی و مشاوره روان‌شناختی برای زنان مطلقه باشد که بر افزایش مهارت‌های صمیمیت عاطفی و ایجاد شبکه‌های حمایتی تمرکز دارند و به بهبود سازگاری و کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند.

سپاسگزاری

پژوهشگر صمیمانه از تمامی خانم‌هایی که با مسئولیت‌پذیری و صداقت در تکمیل پرسشنامه‌ها و مشارکت فعال در این پژوهش همکاری کردند، قدردانی می‌نماید. همراهی ایشان نقش مهم و اساسی در تحقق اهداف علمی پژوهش داشت و بدون مشارکت ارزشمند آن‌ها جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل‌های آماری ممکن نمی‌بود. امید است نتایج این مطالعه بتواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای و حمایتی مؤثر در بهبود سازگاری روان‌شناختی و کیفیت زندگی زنان مطلقه فراهم آورد.

منابع

آریانی، مریم. (۱۴۰۳). بررسی نقش حمایت اجتماعی ادراک شده در سلامت روان زنان مطلقه. *مجله روانشناسی اجتماعی ایران*، ۱۴ (۲)، ۴۵-۶۳.

- رستمی، مهدی؛ بلوت، صغری؛ سعادت، نرگس؛ هرواتی، ناهید؛ پارساکیا، کامران؛ زادحسن، زهرا؛ سیدعلی تبار، سمیه؛ مردانی، فاطمه؛ و مهدی‌آبادی، پروین. (۱۴۰۳). تجارب صمیمیت بین‌فردی زنان مطلقه کانادایی: مطالعه کیفی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۳۰(۱)، ۳۵-۴۸.
- عطاری، محمد. (۱۳۹۲). ترجمه و هنجاریابی پرسشنامه صمیمیت عاطفی. *فصلنامه روانشناسی بالینی و مطالعات خانواده*، ۴(۲)، ۴۵-۶۲.
- کریمی، سارا؛ حسینی، محمدسجاد؛ احمدی، فاطمه؛ رضایی، زهرا؛ محمدی، سمیه. (۱۳۹۵). ترجمه و هنجاریابی پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فرانکل و همکاران. *فصلنامه مطالعات خانواده و روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۱۲۳-۱۳۸.
- نریمانی، فریده؛ ابوالقاسمی، علی؛ نادری، حسن؛ و شریفی، داوود. (۱۳۹۰). ترجمه و هنجاریابی پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک‌شده زیمت و همکاران. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۷(۱)، ۷۷-۹۲.
- نظری‌فار، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل روانشناختی سازگاری پس از طلاق در زنان ایرانی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۹(۳)، ۱۲-۳۵.
- Badri, R., Al-Khalili, A., Aldahri, F., Yang, J., Al-Bahar, S., Yaqoub, H., Al-Rashdi, M., & Al-Suwaii, T. (۲۰۲۰). Post-divorce adjustment: A multidimensional examination of psychological and social competencies. *Journal of Divorce and Remarriage*, 66(۱), ۱۲-۳۵.
- Badrova, K., Leszczynski, T., & McFarlin, J. (۲۰۲۲). Emotional intimacy and relationship rebuilding after divorce: A comparative study. *Journal of Family Psychology*, 36(۴), ۵۴۳-۵۵۹.
- Ferguson, G. A. (۲۰۰۴). *Statistical analysis in psychology and education* (۶th ed.). McGraw-Hill.
- Ferguson, J. (۲۰۰۴). *Sampling techniques for correlational and regression research* (۳rd ed.). London, UK: Sage Publications.
- Frankl, V. E., Frankl, A., & Frankl, M. (۲۰۰۲). *Post-Divorce Adjustment Questionnaire*. New York, NY: Springer.
- Karadeniz Ozbek, M. (۲۰۲۲). Relationships between intimacy, perceived social support, and post-divorce mental health: A study among women. *Journal of Divorce & Remarriage*, 63(۶), ۴۳۷-۴۵۵.
- Plon-Alexporo, S. (۲۰۲۴). Psychological and social consequences of divorce for women: A cross-cultural review. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41(۲), ۲۱۵-۲۳۷.
- Strizzi, L. (۲۰۲۲). Women and divorce: Challenges and opportunities. *Women's Studies International Forum*, 92, ۱۰۲۵۷۴.
- Walker, J., & Thompson, J. (۱۹۸۳). *The Walker & Thompson Emotional Intimacy Scale*. New York, NY: Academic Press.
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (۱۹۸۸). The Multidimensional Scale of Perceived Social Support. *Journal of Personality Assessment*, ۵۲(۱), ۳۰-۴۱.